

تبیین جامعه شناختی عدالت در اندیشه امام صادق (ع)

محمد کارکنان نصرآبادی

دانشجوی دکتری رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی تهران

m.karkonan@kashanu.ac.ir

چکیده:

مفهوم عدالت از دیرباز مورد توجه اندیشمندان بوده و یکی از مفاهیم محوری هرگونه اندیشه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را تشکیل می‌دهد. عدالت را می‌توان بعنوان بزرگترین هدف از تشکیل حکومت تلقی کرد. عدالت به قدری با اهمیت بوده و به سرنوشت ملت‌ها و دولت‌ها پیوند خورده که هیچ ملت و مکتب و اندیشمند سیاسی و اجتماعی آن را نادیده نگرفته و حتی حکومت‌ها نیز سعی بر آن داشته‌اند که خود و نظام‌شان را معتقد به آن دانسته و هدف خود را عدالت بیان نمایند.

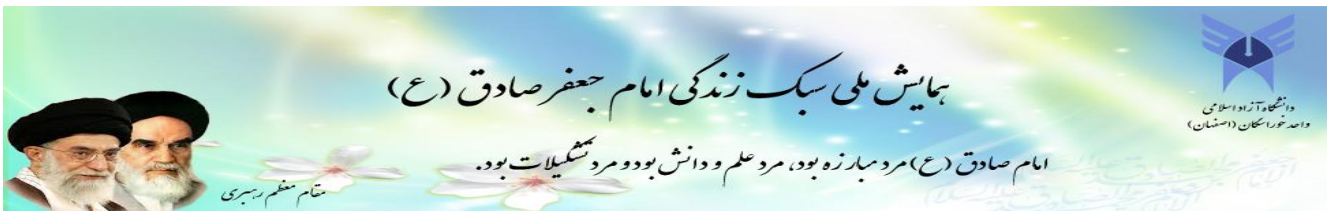
امام صادق (ع) به عنوان ششمین پیشوای شیعیان عدالت را به عنوان مهمترین مسئله زندگی بشر مطرح نموده است. عدالت، انصاف و برابری از نظر ایشان به عنوان مهمترین شاخص‌های توسعه و رفاه اجتماعی می‌باشد که باید مورد توجه مسئولین، حاکمان و مردم قرار گیرد.

مقدمه:

امام صادق علیه‌السلام ضمن این که امام ششم شیعیان است و مذهب شیعه به این امام منتسب است ولی از دیدگاه غیرشیعیان و غیرمسلمانان نیز، از بزرگترین دانشمندان جهان اسلام به شمار می‌رود. تبیین دیدگاه‌های آن حضرت در زمینه‌های مختلف و با رویکرد امروزی، هم به لحاظ نظری و هم از بعد عملی، می‌تواند در اندیشه و عملکرد امروز شیعیان به خصوص در حوزه‌های سیاسی اجتماعی مؤثر باشد. در این نوشتار به تبیین مفهوم عدالت از دیدگاه ایشان پرداخته شده است.

الف- عدالت:

بر اساس فرهنگ دهخدا عدالت در لغت به معنی استقامت بوده، در شریعت و دین عبارت است از استقامت بر طریق حق و با اجتناب از آنچه محظور (منوع) است (رضایان، ۱۳۸۴: ۳۷). همچنین در فرهنگ



آکسفورد، عدالت بر حفظ اصول قانونی، اجتماعی و اخلاقی، از طریق اعمال اقتدار یا قدرت دلالت دارد (تایلور، ۲۰۰۳: ۳).

استاد شهید مطهری، چهار معنی یا چهار کاربرد را برای کلمه عدل مدنظر قرار می دهد: ۱) موزون بودن، ۲) تساوی و نفی هر گونه تبعیض، ۳) رعایت حقوق افراد و دادن حق به صاحب حق، ۴) رعایت استحقاقها در افاضه وجود و رحمت به آنچه امکان وجود یا کمال وجود دارد (مطهری، ۱۳۷۷: ۹۴۹)

– مفهوم عدالت در اندیشه سنتی:

مفهوم عدالت را مانند بسیاری از مفاهیم فلسفی و علمی برای اولین بار فیلسوفان یونان باستان مورد بررسی علمی و استدلالی قرار دادند. به طور کلی در اندیشه سنتی رویکردهای زیر پیرامون عدالت اجتماعی وجود دارد:

۱- عدالت اجتماعی به مثابه تناسب

در این تعریف عدالت به معنی قرار گرفتن در جایگاه خاص خود آمده است به همین خاطر افلاطون عدالت را حد وسط سه قوه خرد، اراده و شهوت می دانست. جایگاه خاص در این تعریف جایگاهی است که در آن یک قوه به حد افراط یا حد تفریط مورد توجه یا تحقیر قرار نگیرد. برداشت اجتماعی از این نظریه نیز به معنی قرار گرفتن افراد جامعه در طبقات خاص خود، فرمانروایان، نگهبانان و توده می باشد.

۲- عدالت اجتماعی به مثابه شایستگی و لیاقت:

ریشه این برداشت از عدالت به ارسطو بر می گردد که معتقد بود عدالت متناسب با طبیعت است. ارسطو در چارچوب چنین اندیشه‌ای به دو مفهوم از عدالت در روابط اجتماعی میان انسان‌ها اشاره می کند: یکی عدالت توزیعی و دیگری عدالت تعویضی یا جبرانی. منظور از مفهوم اول چگونگی توزیع منابع و مواهب طبیعی و اجتماعی میان اعضای جامعه است که باید بر حسب منزلت و مرتبه اعضای جامعه صورت گیرد و منظور از مفهوم دوم رعایت تساوی در داد و ستد به معنای عام کلمه است (غنی نژاد: ۱۳۸۶: ۱۶).

۳- عدالت اجتماعی به مثابه رعایت تناسب‌ها، استحقاق‌ها و شایستگی‌ها

این تلقی و برداشت نیز بیشتر در آراء اندیشمندان مسلمان مدنظر قرار گرفته است. این گروه معتقد بودند که عدالت اجتماعی به معنی "اعطای کل ذی حق حقه" می باشد یعنی امکانات متناسب با استعدادها و توانایی‌ها



مقام معظم رهبری

بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد نورسنگان (اصفهان)

و شایستگی‌ها، فرصت‌ها و امکانات باید توزیع گردد. خواجه نصیر الدین طوسی عدالت را در آن می‌دانست که هر صنفی از جایگاه مستحق خود منحرف نشده و به دنبال غلبه بر صنوف دیگر نباشد و مرتبه اهل مدینه هر یکی بر یکی بر قدر استحقاق و استعداد باشد (غنی نژاد: ۱۳۸۶: ۱۶).

انواع عدالت:

۱- عدالت توزیعی:

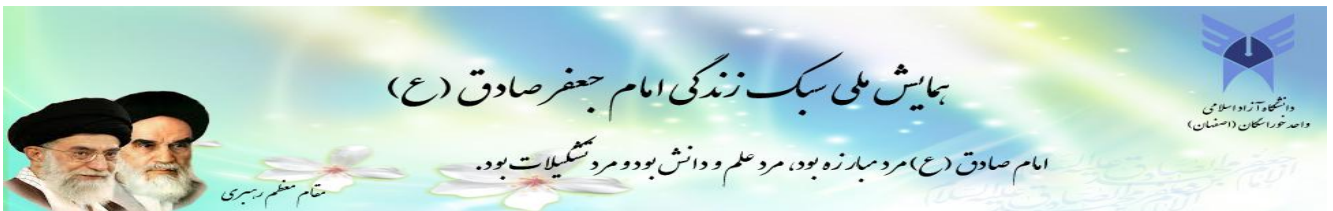
چند دهه پیش روانشناسی به نام "جی استیسی آدامز" نظریه برابری اش را ارائه کرد و در این نظریه نشان داد که افراد مایل‌اند، در قبال انجام کار پاداش منصفانه‌ای دریافت کنند؛ به عبارت دیگر به اندازه همکارانشان از پاداشهای انجام کار بهره‌مند شوند. برابری طبق نظر آدامز زمانی حاصل می‌شود که کارکنان احساس کنند که نسبتهای ورودیها (تلاشها) به خروجیهایشان (پاداشها) با همین نسبتها در همکارانشان برابر باشد.

عدالت توزیعی بیانگر ادراک افراد از میزان رعایت عدالت در توزیع و تخصیص منابع و پاداشهاست. به بیان دیگر، حدی که افراد پاداش‌ها را با عملکرد مرتبط می‌دانند، دلالت دارد (رضائیان، ۱۳۸۴: ۴۳).

نیروی انسانی که احساس نابرابری و بی‌عدالتی می‌کنند، با واکنشهای منفی از جمله امتناع از تلاش، کم‌کاری و رفتارهای ضعیف شهروندی سازمانی و در شکل حاد آن استعفا از کار به این نابرابری پاسخ می‌دهند. به لحاظ تاریخی، نظریه برابری متمرکز بر عدالت درک شده از مقدار پاداشهای توزیع شده بین افراد است. این نوع عدالت کاربردهای زیادی در محیط سازمانی داشته است و محققان، رابطه این عدالت را با متغیرهای زیادی همچون کیفیت و کمیت کار بررسی کرده‌اند. بنابراین به خاطر تمرکز این عدالت بر پیامدها، پیش‌بینی شده است که این شکل از عدالت عمدتاً مرتبط با واکنشهای شناختی، عاطفی و رفتاری باشد. بنابراین زمانی که یک پیامد خاص ناعادلانه درک می‌شود، این بی‌عدالتی می‌بایست احساسات شخص (مثل عصبانیت، رضایت خاطر، احساس غرور یا گناه)، شناختها (مثل شناخت تحریفی ورودی‌ها و خروجی‌های خود یا دیگران) و نهایتاً رفتارشان (مثل عملکرد یا ترک شغل) را تحت تأثیر قرار دهد.

۲- عدالت رویه‌ای یا اجرایی:

عدالت رویه‌ای با ادراک افراد از عادلانه بودن رویه‌های جاری در تصمیم‌گیری برای جبران خدماتشان نه با توزیع واقعی درآمدها سر و کار دارد؛ مانند رویه‌های جاری در ارزیابی عملکرد افراد در سطوح متفاوت



جامعه یا سازمان، نحوه برخورد با شکایتها و نزاعها، و نحوه توزیع درآمدها میان افراد (کانوسکی و فولگر، ۱۹۸۹: ۳۲).

در بحث از عدالت رویه ای نیز مانند نظریه برابری، ادراکات انسانها نقش مهمی دارند و واکنش افراد جامعه نسبت به رویه ها به چگونگی ادراکشان از رویه ها، نه ماهیت واقعی آنها، بستگی دارد. زیرا از نظر روان شناختی، انسانها بر اساس واقعیات رفتار نمی کنند، بلکه بر اساس ادراک خود از واقعیت، واکنش نشان می دهند (رضائیان، ۱۳۸۴: ۴۹).

به نظر "لونتال" شش قانون وجود دارد که در هنگام کاربرد، رویه‌های عادلانه‌ای به وجود می آورند:

- قانون ثبات: حالتی که تخصیص رویه ها بایستی برای همه در طی زمان ثابت باشد.
- قانون جلوگیری از تعصب و غرض ورزی: حالتی که از کسب منافع شخصی تصمیم گیران بایستی در طول فرایند تخصیص ممانعت به عمل آید.
- قانون درستی: اشاره به سودمندی اطلاعات مورد استفاده در فرایند تخصیص دارد.
- قانون توانایی اصلاح: به وجود فرصتهایی برای تغییر یک تصمیم ناعادلانه اشاره دارد.
- قانون نمایندگی: حالتی که نیازها، ارزشها و چشم اندازهای همه بخشهای متأثر، توسط فرایند تخصیص بایستی در نظر گرفته شود.
- قانون اخلاقی: مطابق با این قانون فرایند تخصیص بایستی با ارزشهای اخلاقی و وجدانی سازگار باشد.

۳- عدالت تعاملی

نوع سوم از عدالت، عدالت تعاملی نامیده می شود. عدالت تعاملی شامل روشی است که عدالت سازمانی توسط سرپرستان به زیردستان منتقل می شود این نوع عدالت مرتبط با جنبه های فرایند ارتباطات (همچون ادب، صداقت و احترام) بین فرستنده و گیرنده عدالت است. به خاطر اینکه عدالت تعاملی توسط رفتار مدیریت تعیین می شود، این نوع عدالت مرتبط با واکنشهای شناختی، احساسی و رفتاری نسبت به مدیریت یا به عبارت دیگر سرپرست است. بنابراین زمانی که کارمندی احساس بی عدالتی تعاملی می کند به احتمال زیاد این کارمند واکنش منفی به سرپرستش به جای سازمان نشان می دهد. از این رو پیش بینی می شود که



بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

مقام منعم رهبری

کارمند از سرپرست مستقیمش به جای سازمان در کل ناراضی باشد و کارمند تعهد کمتری نسبت به سرپرست تا سازمان در خود احساس کند (اسکاندورا، ۱۹۹۹: ۴۵). همچنین نگرشهای منفی وی عمدتاً نسبت به سرپرست است و قسمت کمی از این نگرش های منفی به سازمان برمی گردد. به نظر "مورمن" عدالت توزیعی، رویه ای و عدالت تعاملی، همبسته است و هر کدام جنبه های متمایزی از عدالت سازمانی اند. به نظر وی عدالت سازمانی به صورت مجموع عدالت توزیعی، رویه ای و تعاملی تعریف می شود.

عدالت در دیدگاه امام صادق (ع):

از دیدگاه امام صادق علیه السلام عدالت از جمله نیازهای ضروری زندگی انسان است که شاید تنها نیاز اجتماعی مقدم بر آن، امنیت باشد. همچنین عدالت بعد از خود فراخی و آسایش زندگی را به همراه می آورد. بدین ترتیب سه نیاز «امنیت، عدالت و آسایش» به ترتیب اولویت در سخن امام صادق علیه السلام معنی پیدا می کنند با این احتمال که ممکن است مقصود امام صادق علیه السلام از ذکر امنیت در ابتدا، صرفاً تقدم زمانی بوده باشد. باید گفت که عدالت نقطه مرکزی است که یک مقدمه و یک نتیجه دارد، مقدمه آن امنیت و نتیجه و پیامد آن در نهایت رفاه و آسایش است. نکته مهم دیگر عدالت، که مورد توجه امام صادق علیه السلام قرار گرفته، نقش دانش و معرفت در عدالت است. از آن جا که عدل و عدالت مقوله عمیق و پیچیده ای است و تحقق آن در جوامع به دانش و معرفت نیاز دارد این امر نیز در دیدگاه امام صادق علیه السلام مورد توجه قرار گرفته است (مجلسی، ۱۳۶۲: ۲۵۸).

- اهمیت عدالت:

امام صادق علیه السلام تلاش می کند متناسب با فرهنگ دینی و قابل فهم برای مردم مسلمان زمان خود، اهمیت عدالت را بیان کند. از دیدگاه آن حضرت شدیدترین عذاب و بیشترین حسرت روز قیامت برای کسانی است که عدالت را توصیف می کنند و در مورد آن سخن می رانند ولی به عدالت عمل نمی کنند. آن حضرت چنین افرادی را مصداق کسانی می داند که طبق آیه قرآن روز قیامت، به همراه گمراهان به روی به آتش جهنم افکنده می شوند. همچنان که از سوی دیگر خداوند حاکم عادل را بدون حساب وارد بهشت می کند. امام صادق علیه السلام توصیه می کند که عدالت بورزید زیرا دوری از عدالت عیب محسوب می شود. این سخن در نظریه سیاسی عدالت و در یک نظام سیاسی، یک سخن راهبردی است و ارزش و اهمیت بالایی دارد، زیرا بدین معنی است که نظام سیاسی به مثابه سیستم منسجم و پیچیده، بدون عدالت دارای عیب و نقص است و نمی تواند کار ویژه خود را انجام دهد. همچنین به تعبیر امام صادق علیه السلام تحقق عدالت



بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

مقام منعم رهبری

در جامعه، گواراتر از آبی است که تشنه ای از آن بهره مند می‌شود. به عبارت دیگر جامعه تشنه و خواهان عدالت است، و زمانی این نیاز برآورده می‌شود که عدالت در آن تحقق یابد (کلینی: ۱۴۵).

در خصوص ارائه تصویری از عدالت و فواید بی شمار آن برای جوامع بشری، امام صادق علیه السلام تلاش کرده این تصویر را با تمثیل نشان دهد، و لذت و پیامدهای مثبت آن را برای جوامع بشری به چیزهایی تشبیه کند که برای انسان - آن زمان - ملومس و قابل درک باشد، بر این اساس، عدل را شیرین تر از عسل، لطیف تر و ملایم تر از سرشیر و خامه، و مطبوع تر از بوی مشک - ناب ترین عطر - می داند (حکیمی، ۱۳۶۷: ۳۳۳).

یکی از مهمترین پیامدهای سیاسی اجتماعی عدل، نجات از تنگناها و وسعت و گشایش است، این امر در عرصه های مختلف و اجزای گوناگون نظام سیاسی، نهادهای اجتماعی و زندگی فردی افراد اتفاق می افتد، و این ناظر به این سخن امام صادق علیه السلام است که اگر عدالت اجرا شود مردم بی نیاز می گردند (شیخ طوسی، ۱۳۶۸: ۵۳). این بی نیازی فقط در عرصه های مادی نیست، بلکه مهمتر از آن امور سیاسی اجتماعی را در بر می گیرد و موجب می شود جامعه از پرداخت هزینه های سنگین روحی، روانی، زمانی و ... بی نیاز گردد. چون امور به سهولت در مجرای خود جاری خواهند بود، و این به معنی همان گشایش و وسعت مورد نظر امام است که حتی اگر عدالت به میزان اندکی هم اجرا شود به همان نسبت گشایش و فراخی در پی خواهد داشت (حرعاملی، ۱۳۶۷: ۱۵۳).

پرسش دیگری که مطرح می‌شود این که در زبان عربی نقطه مقابل «عدل» و «عدالت» چیست؟ معمولاً مفاهیم «ظلم» و «جور» را نقطه مقابل یا فقدان عدل دانسته اند که به نظر می‌رسد چندان دقیق نیست، به همین دلیل اسحاق بن حنین در ترجمه کتاب «اخلاق نیکوماخوس» ارسطو، از کلمه «لا عدل» استفاده کرده است که این با معنای فارسی آن «بیداد» سازگارتر است، اگر عدالت را از حد اعلای آن تا کمترین سطح به صورت طیف در نظر بگیریم، نقطه صفر فقدان عدالت محسوب می‌شود و هر چه از نقطه صفر در طرف مقابل به پیش برویم ظلم و جور که اقداماتی متعمدانه و جهت تصاحب ناروای حقوق دیگران یا آزار و اذیت مردم است آغاز می‌شود، در این صورت «بیداد»، «نه عدل»، و «بی عدالتی یا فقدان عدالت»، با ظلم و جور تفاوت خواهند داشت، اگر چه خود نوع خفیفی از ظلم خواهد بود، چون پیامدهای ظالمانه به دنبال خواهد داشت، امام صادق علیه السلام تعبیری دارند که می‌تواند «فقدان عدالت» را روشن سازد و آن مفهوم «ضایع کردن» است که می‌تواند به معنای عام، ضایع کردن منابع، فرصت ها، نعمت ها، امکانات، عمر، وقت و زمان و ... را شامل شود، و این ضایع ساختن زمانی اتفاق می‌افتد که عدل و عدالت وجود نداشته باشند، اگر چه حاکمان



بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

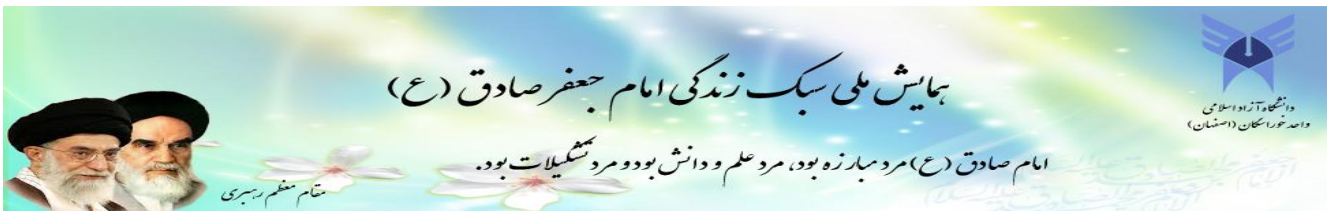
امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

مقام منعم رهبری

و مدیران، تعمدی در ظلم و جور و پایمال کردن حقوق، فرصت ها، امکانات و وقت مردم نداشته باشند، اما به دلیل فقدان عدالت، شرایطی پیش می آید که خودبه خود، حقوق، فرصت ها، امکانات و عمر و وقت مردم ضایع می شود و تلف می گردد، یعنی تا حدی نتیجه ظلم و جور حاصل می شود بدون این که تعمداً بخواهند ظلم کنند، و این نتیجه «فقدان عدالت» است به ظلم و ستم، جدول فقدان عدالت ای بی کفایتی ناشی می شوند که دولت دارند عدالت را محقق سازند ولی توان آن را ندارند، و نتیجه این ناتوانی دولت های مبنی بر ظلم خواهند بود که امام صادق علیه السلام از رأی آنان مفهوم «ضایع کردن» را استفاده می کنند، در حالیکه ظلم و ستم از حاکمان ناشی می شود که تعمداً در صدد ظلم برمی آیند. به همین دلیل امام صادق علیه السلام بر حذر می دارد که هرکس نمی تواند عدالت را محقق سازد نباید هیچ مسئولیتی از امور مسلمین را به عهده بگیرد چون موجب ضایع شدن آن می شود و گناه بزرگی است و خداوند خود او را ضایع می گرداند (حکیمی، ۱۳۶۷: ۳۵۲).

- برابری در اندیشه امام (ع):

اگرچه این سخن که «مردم همانند دندانهای شانه برابرنند» به تواتر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نقل شده است، امام صادق علیه السلام نیز آن را فرموده اند و طبعاً باور داشته اند. برابری یکی از مؤلفه های مهم عدالت است، اگرچه وجود برخی نابرابری ها لازمه جوامع انسانی است ولی به اجمال باید گفت آن دسته از نابرابری ها مشروعند که عادلانه بوده و نتیجه میزان تلاش، قابلیت و توان افراد باشند، از سوی دیگر تمام افراد جامعه در قبال حقوق اساسی، قوانین اجتماعی، و فرصت های موجود، برابرنند و فضایل معنوی و تقوای ایشان هیچ تاثیری در آن ندارد. امام صادق علیه السلام تمام مردم را برابر می دانست و فضایل و تقوای آنان را امری بین شخص آن ها و خدایشان قلمداد می کرد، همانند فرزندان یک متوفی، که در تقسیم میراث؛ فضل، تقوی، رتبه و برتری هیچکدام ملاک برخورداری بیشتر نیست و سهم همگان یکسان است. امام صادق علیه السلام تأکید می کند که روش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نیز از آغاز همین گونه بوده است (شیخ طوسی، ۱۳۶۸: ۴۹). آن حضرت حدیثی قدسی نقل می کند که پروردگار عالم فرموده ده فریضه واجب کرده ام که اگر به آن عمل کنند عاملان آن را در ملکوت خود و بهشت جای خواهد داد، یکی از آن ها این است که هر مؤمنی با سایرین در دین و دنیا برابر باشد و به عدالت گردن نهد (نوری، ۱۳۴۰: ۳۳۳). برابری انسان ها با یکدیگر طبعاً یک امر سیاسی اجتماعی است که به نسبت پیچیدگی جوامع، به نظام ها پیچیده نیاز دارد و طبعاً با چالش ها و موانع خاص خود نیز مواجه می شود. اگر چه اجرای عدالت ممکن است دشوار به نظر آید و تحقق آن تنگناها و مشکلاتی به خصوص برای برخی از افراد ایجاد کند اما اگر این



دشواری ها تحمل شود و جامعه در جهت تحقق عدالت گام بردارد در نهایت و در سطح کلان، جامعه با گشایش و روانی مواجه می شود و به نفع همگان خواهد بود.

– انصاف در اندیشه امام(ع)

انصاف از جمله مفاهیم مهم مرتبط با عدالت است که در متون اسلامی به طور مکرر به آن اشاره شده است. مهمترین تفاوت انصاف با عدالت – که نگارنده هم از فرمایشات امام علی در این باب، و هم از سخنان امام صادق علیه السلام استنباط کرده این است که عدالت یک امر بیرونی و مرتبط با اجماع است و انصاف به درون افراد مربوط می شود و مبدأ و منشأ آن از درون فرد به بیرون از خودش، یعنی مردم به عنوان مقصد انصاف است. از دیدگاه امام صادق علیه السلام، به انصاف با مردم رفتار کردن برترین و مهمترین عمل است و شاخص آن در حوزه های مختلف و مصادیق گوناگون این است که فرد به هر آنچه برای خود راضی شود برای دیگران نیز راضی شود (علیخانی، ۱۳۸۶: ۲۷۰).

عدالت؛ شاخص حکومت

عدالت و جور در مقیاس نظام سیاسی، تبعات گسترده ای برای جامعه در پی دارد، یکی از مواردی که در یک نظام سیاسی عادلانه یا ظالمانه مورد توجه امام صادق علیه السلام قرار گرفته افرادی هستند که به آن حکومت گردن می نهند، دیدگاه امام صادق علیه السلام این است که کسی که تسلیم حکومت جور و امام جائز می شود دین ندارد، و این احتمالاً مربوط به زمانی است که فرد با رضا و رغبت به حکومت جورگردن می نهد، یا این که می تواند اطاعت نکند ولی اطاعت می کند، البته موارد اضطرار تخصیص می خورد. از سوی دیگر، کسی که به حکومت عدل و حاکم و امام عادل گردن می نهد هیچ وقت دچار درماندگی نمی شود، نگاه امام افراد تحت حکومت رهبر عادل را کسانی می داند که به مصادیق آیه قرآن، از ظلمات خارج شده و در نور قرار دارند، همچنانکه کسانی که ولایت آن ها را حاکم و امام جائز بر عهده دارد، کسانی هستند که از نور خارج شده و به ظلمات وارد شده اند و این ها شایسته عذاب و آتش در روز قیامت هستند

امام صادق علیه السلام از یک نکته مهم نیز غافل نمی ماند و آن نقش عموم مردم در حاکمیت حکومت عدل یا جور است، در این میان مردم دو نوع نقش می توانند داشته باشند، نخست این که در بین خودشان جور بورزند که با استناد امام صادق علیه السلام به آیه قرآن، «خوردن اموال یکدیگر به ناحق» یکی از مصادیق آن هاست، و دوم این که حکام را یاری کنند یا زمینه را برای ایجاد و رشد حکومت های جائز و ناعادل فراهم



بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

مقام منعم رهبری



سازند، که از جمله مصادیق آن، تقویت حاکمان جور، قضاوت خواستن از آنان، و ارجاع دعاوی به آنان است که قرآن نیز آن را منع کرده است. البته این امر مربوط به شرایط زمانی و جامعه ای بوده که امکان ارجاع دعاوی به چند مرجع وجود داشته است، و در شرایط امروز جامعه، طبعاً واکنش های دیگری باید نشان داد تا مقصود حدیث و آیه برآورده شود. مگر این که در «یتحاكموا الی الطاغوت» معنای دیگری داشته باشد (حکیمی، ۱۳۶۷: ۴۰۸).

منابع:

- قرآن کریم
- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، مقاتل الطالبیین، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران.
- ارسطو، الاخلاق، اسحق بن حنین، تحقیق و شرح؛ عبدالرحمن بدوی، کویت: وكالة المطبوعات.
- رالز جان (۱۳۸۳) عدالت به مثابه انصاف، ترجمه عرفان ثابتی، تهران: ققنوس
- الحر العاملی، محمد بن الحسن (۱۳۶۷)، وسائل الشیعه، ترجمه عبدالرحیم ربانی شیرازی، تهران: دارالکتب الاسلامیه
- حکیمی، محمد رضا (۱۳۶۷)، الحیاء، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- رضائیان، علی (۱۳۸۴)، «انتظار عدالت و عدالت در سازمان»، تهران، انتشارات سمت.
- الطوسی، محمد بن الحسن (۱۳۶۵)، تهذیب الأحکام، تهران: دارالکتب الاسلامیه
- الطوسی، محمد بن الحسن (۱۳۶۸)، اختیار معرفة الرجال، تنقیح، حسن مصطفوی، مشهد: دانشگاه مشهد
- علیخانی، علی اکبر (۱۳۸۶)، سیاست نبوی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۶.
- غنی نژاد، موسی (۱۳۸۶) عدالت، عدالت اجتماعی و عملکرد اقتصاد. اینترنت.
- الکلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- المجلسی، محمد باقر (۱۳۶۲)، بحار الانوار، تهران: دارالکتب الاسلامیه
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، «مجموعه آثار»، صدرا، قم.
- نیلی و دیگران (۱۳۸۶). اقتصاد و عدالت اجتماعی، تهران: نشر نی.
- واعظی، احمد (۱۳۸۸)، نقد و بررسی نظریه های عدالت، قم، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)
- النوری، الحسین (۱۳۴۰)، مستدرک الوسائل، تهران: کتابفروشی اسلامی



مقام معظم رهبری

بهائش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد نورسنگان (استان)